**مطلب نود و نهم \_ علت احتجاب خلق**

قوله تعالی : یا ابا طالب علیک بهائی ..... مقصود از فراعنه و جبابره و اصنام و ظالم و طاغی و یاغی و امثال آن که در زبر و کتب و الواح الهی بوده و هست جهلای عصرند که بعلماء معروفند ایشانند اس فساد و اسطقس ضغینه و عناد چه که علت و سبب احتجاب خلق و نار ظلم این انفس غافله بوده و هستند از معشر امراء هر هنگام ظلمی ظاهر شد از وسوسهٴ این نفوس بوده و اگر بتمامه تمکین نفوس جاهله را مینمودند یکنفر اهل عدل و انصاف در ارض مشاهده نمیشد در اوائل ظهور نظر بحفظ ریاست بر اعراض و اعتراض قیام مینمودند و چون رایات امر مرتفع و نیر ظهور تجلی مینمود خود را از اول مؤمنین میشمردند و در اخذ زمام ناس سعی بلیغ مبذول میداشتند مبارک عالمی که شئونات عالم او را از بحر کرم محروم نساخت او از نفوسی محسوبست که ذکرشان از قلم اعلی در کتب الهی مذکور و مسطور است علیهم بهاء الله و رحمته و نوره و عنایته ... اگر نفسی فی الجمله منصف باشد هرگز در این امر اعظم توقف ننماید از اول ابداع تا حال مانند این ظهور ظاهر نشده و چشم عالم شبه آنرا ندیده جمیع آنچه از قبل ظاهر شده نزد این ظهور بمثابه قطره و دریاست ... اینکه از مظلومیت و سجن و بلا مرقوم داشتید فی الحقیقه امثال این بلایا در سبیل الٓهی کنز لا یفنی بوده و هست در بلایای ملوک تفکر نمائید در اول ورود سجن از سماء مشیت آیاتی نازل باین مضامین قوله تبارک و تعالی حق جل جلاله از دو طایفه عزت بر داشت " امراء و علماء " چنانکه اکثری قرائت نموده‌اند و همچنین در هنگامی که نور ظهور از افق ارض سر مشرق و لائح این اخبار از قلم اعلی جاری و نازل حال ملاحظه نمائید نفسی را که شخص اول میدانند در ارض یعنی امپراطور روس بذلت تمام از دنیا رفت چنانچه شنیده‌اید و آنچه بر او واقع شد مثمر ثمری نبوده و نیست و امپراطور جدید هم خوف بشأنی اخذش نموده که مسکین قادر بر خروج از محل نه فقیر هنوز ضرش باحدی نرسیده و عمل منکری هم از او دیده نشده معذلک باین بلای ادهم مبتلی و همچنین در ملوک دیگر ممالک غرب تفکر فرمائید که جمیع هدف سهام بلا شده‌اند جمیع عالم حال بآتش‌های مختلفه محترق احدی سبب و علت آنرا ندانسته باری آنچه وارد شده و میشود نظر باعمالی است که ارتکاب نموده‌اند .... انتهی